

◇ نشریه علمی زن و فرهنگ

سال دهم، شماره ۳۹، بهار ۱۳۹۸

صفحات: ۴۹-۵۷

تاریخ وصول: ۱۳۹۷/۹/۱۲ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۲۱

نگرشی اجمالی به حقوق و محرومیت های زنان در ایران و انگلستان با رویکردی بر نظر امام خمینی (ره)

زینب ملائی*

سید محمد موسوی بجنوردی**

سید محمد صادق موسوی***

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بیان نقاط اشتراک، قوت و ضعف دو کشور ایران و انگلستان در حقوق و محرومیت های زنان می باشد. جامعه مورد مطالعه زنان است که به صورت مقایسه ای مورد بررسی قرار گرفت. روش پژوهش تحلیلی، توصیفی و تطبیقی است، بر این اساس از تطبیق منابع فارسی و لاتین کتابخانه ای با مراجعه به کتاب ها، و مقالات، اطلاعات لازم گردآوری گردید و سپس به بررسی و تحلیل پرداخته شد. مجموع مباحث مطرح شده و نتایج تحقیق گویای این است که، برخلاف آنچه که در کشورهای غربی مطرح می گردد و خودشان را طرفدار حقوق زن قلمداد می نمایند، حقوق اسلام را ناقض حقوق زنان می دانند، متفکران غربی تا پایان قرن نوزدهم اساساً سخنی از حقوق زنان به میان نیاوردند و زنان تا قرن بیستم حتی از اساسی ترین حقوق خود، یعنی حق مالکیت محروم بودند و تمدن غرب هنگامی به حقوق زنان اعتراف کرد و به ندای حق خواهی زنان پاسخ مثبت داد که نظام سرمایه داری به نیروی کار زنان نیازمند شد در حالی که دین اسلام ضمن توجه به کرامت و جایگاه والای زن در جامعه و خانواده، توجه ویژه ای به سعادت دنیوی و اخروی زن می نماید.

کلید واژگان: حقوق، محرومیت های زنان، ایران، انگلستان.

* دانشجوی دکتری، گروه الهیات گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
(ایمیل: mollaei_zeinab@yahoo.com)

** استاد گروه فقه و حقوق، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول، ایمیل: mosavi@ri-khomeini.com)

*** دانشیار گروه فقه و حقوق خصوصی، دانشگاه شهید مطهری، تهران، ایران. (ایمیل: m.mosavi_bonabiau.ac.ir)

مقدمه

حقوق و محرومیت های زن، تابعی است از نوع نگرش جوامع گوناگون، دین و مذهب، عرف و عادت و قانون (واکر^۱، ۲۰۰۳: ۱۰۰)، در ایران قبل از اسلام، مهم ترین آیین که در آن زمان توجه زیادی نسبت به حقوق زن داشت آیین زرتشت بود، آیین زرتشت اگر چه زنان را هم ردیف مردان قرار داد و برای ایشان شأنی انسانی قائل شد اما زنان در عصر ساسانی از لحاظ عملی جایگاه خود را نیافتند و علی رغم تحولات اجتماعی و حقوقی، فرهنگ رایج در میان مردم حاکی از بدبینی و سوءظن نسبت به ایشان بود. ضمن آنکه نباید این حقیقت را از نظر دور داشت که زنان ایرانی در این دوره در مقایسه با اغلب کشورهای دیگر چه در زمان ظهور زرتشت و چه پس از آن که دختران را زنده در گور می کردند، از حقوقی برخوردار بودند اما باید توجه داشت که این حقوق تا رسیدن به وضع مطلوب دارای کاستی های قابل ملاحظه بود (عبداللهی، ۱۳۶۹: ۶۳). با ظهور اسلام، زن ارزش واقعی خود را پیدا نمود و کشورهای اسلامی نیز از این تحولات حقوقی باز نمانده و هر کشوری به اقتضای شرایط خود، سعی کرده است که توجه به جایگاه زنان را تا حدودی با شرایط کنونی جامعه خود و هنجارهای بین المللی خود تطبیق دهد (محقق داماد، ۱۳۶۵: ۱۰۲). با توجه به تبلیغ های گسترده در حقوق غرب در خصوص حقوق زن و عدم آشنایی مردم در این مورد باعث شده که اشخاصی که سطحی نگر هستند ادعاهای آنها را باور و سعی در تضعیف مبانی فکری اسلام بنمایند. این در حالی است که اگر توجه به زنان در حقوق اسلام به درستی بیان و توجیه شود و آن را با حقوق کشورهای غربی به طور نمونه با حقوق انگلیس مقایسه شود مشخص می شود که در اسلام تا چه حدی به حقوق زن توجه شده و اگر تبلیغاتی در این مورد (کافی نبودن حقوق زن) صورت می گیرد هدف تضعیف اعتقادات و باورهای دینی ما می باشد. این پژوهش، پاسخی اولیه می باشد به جنگ نرم غربی ها که در مقابل حقوق اسلام و ایران نسبت به حقوق زنان در جریان است (صفایی، ۱۳۸۳: ۵۲). لذا هدف پژوهش حاضر بررسی نگرش به زنان در قبل و بعد از اسلام، جایگاه زن از دیدگاه امام خمینی (ره) و مقایسه روش حقوق زنان در ایران و انگلستان می باشد.

روش

طرح پژوهش، جامعه آماری و روش نمونه گیری: طرح پژوهش تحلیلی، توصیفی و تطبیقی است. جامعه و نمونه مورد بررسی زنان است که محرومیت های آنان به صورت مقایسه ای در ایران و انگلستان مورد بررسی قرار گرفت و بر این اساس از طریق منابع کتابخانه ای با مراجعه به کتاب ها، و مقالات اطلاعات لازم گردآوری گردید و سپس به بررسی و تحلیل پرداخته شد.

روش اجرا

در انجام پژوهش حاضر، در بخش توصیفی، اطلاعات از طریق اسنادی و کتابخانه ای بدست آمده است. در بخش تحلیل نیز با استفاده از مطالب مکتوب جهت نگارش مطالب مورد نظر استفاده شد.

۱. Walker

مبانی فکری دوره ایران باستان

شاخص‌ترین و بارزترین دوره ایران باستان که تمدن ایرانی به بالاترین درجه رشد و شکوفایی خود در آن رسیده بود، دوره ساسانی است به همین جهت وضعیت زنان در این دوره مورد بررسی قرار گرفت. حکومت ساسانیان حکومتی دینی بود. منابع حقوقی این دوره عبارت است از؛ کتاب اوستا، تفاسیر آن و بالاخره اجماع نیکان بود. بنابراین حقوق ساسانی یک حقوق دینی به شمار می‌رفت که در مباحث خود از تعالیم مذهبی به خصوص اوستا الهام می‌گرفت (رضی، ۱۳۷۶: ۷۶). مطلبی روشن و صریح که بنیاد پیش مغان را درباره زن بیان می‌کند در بندهش^۱ که از کتب معتبر زبان پهلوی و از منابع تحقیق در ایران باستان نقل شده است: هر مزد هنگامی که زن را آفرید به او گفت اگر مخلوقکی را می‌یافتم، که مرد را از او کنم، تو را نمی‌آفریدم (بهار، ۱۳۶۹: ۸۳). داستان جهی^۲ دیو مؤنث در اوستا نیز بیانگر نقش منفی زن است. اوست که برانگیزاننده اهریمن در جنگ با اهورامزدا و امشاسپندان است و این جنس مؤنث است که حتی اهریمن را به بدکاری ترغیب می‌کند و به مقابله با هرمزد (نیکی‌ها) می‌کشد. در بندهش آمده است که چون اهریمن شکست خورد، ناتوان شده و به ناتوانی سه هزار ساله افتاد. دیوان کماله^۳ هر یک جداگانه به بالین اهریمن شده و گفتند برخیز ای پدر ما، آن‌چنان با هرمزد و امشاسپندان پیکار کنیم که شکست یابد. اما اهریمن آن‌چنان ترسیده بود و ناتوان شده بود که بر نمی‌خواست سرانجام جهی آن ماده دیو تبهکار به بالین پدر شده و چندان رجز خواند و پیمان یاری و همکاری بست که سرانجام اهریمن برخاست و از آن ناتوانی به در آمد و شادمان شد و با تمام دیوها به جنگ روشنایی رفت (خامنه‌ای، ۱۳۷۵: ۱۶). بنابر عقیده ایشان، پیدایی دشتان (حایض شدن) اثری اهریمنی در زنان است که هر ماه مکرر می‌گردد و لذا مردان به پاکی و رستگاری نزدیک‌ترند (مزدآپور، ۱۳۶۹: ۶۵). بدین ترتیب موقعیت زنان در دوران ساسانی را باید در چارچوب نظام حقوقی وابسته به دین و قدرت سیاسی بررسی کرد. زنان در این دوران از حقوق متناسب با شأن انسانی خود برخوردار نبودند و مهم‌ترین محرومیت‌ها در این دوران عدم توجه به کرامت انسانی و شخصیت حقوقی او بود.

محرومیت‌های زنان

بر مبنای پیش‌منفی فوق نسبت به زنان، در جامعه نیز با آنها رفتاری متناسب با شخصیت انسانی ایشان صورت نمی‌گرفت (الیزابت^۴، ۱۹۹۰: ۲۷). زن از هر لحاظ تحت سرپرستی و قیومت رئیس خانوار «کتک ختای» قرار داشت، این رئیس خانوار ممکن بود که پدر، شوهر و یا در صورت مرگ آنها جانشین ایشان باشد (کرنسی^۵، ۲۰۰۴: ۱۱۶). اختیارات این قیم یا رئیس خانوار ممکن بود که پدر، شوهر و یا در صورت مرگ آنها جانشین ایشان باشد. اختیارات این قیم یا رئیس خانوار کمتر محدودیتی داشت (سای کس، ۱۹۵۱: ۱۰۶). تمام هدایایی که گاه‌گاه به زن یا به کودکان داده می‌شد و یا آنچه آنها به کار و غیر آن به دست می‌آوردند عیناً مانند درآمدهای اکتسابی بردگان متعلق به رئیس خانوار بود (بارتلمه^۶، ۱۹۵۱،

۱. Bundahis

۲. Jahi

۳. Kamala

۴. Elizabeth

۵. Cretney

۶. Bartholomae

ترجمه کاظمی، ۱۳۵۴: ۱۲). زن همچون شیء بود که هر کس به میزان وسع خود می توانست از آن برخوردار باشد. به موجب منابع حقوقی فارسی میانه، دو یا بیشتر داشتن پادشا زن - زن عقدی - نیز رایج بود (سای کس^۱، ۱۹۵۱: ۳۶۸). در وندیداد انفاق با زن، مال، دانش و ... از وظایف مزدیسنان شمرده شده است (عبدالهی، ۱۳۶۹: ۱۵۴۷). کفاره برخی از گناهان تقدیم دختران باکره به مردان اشو بود، در وندیداد آمده که مرد گناهکار مؤظف است دختر بالغ و سالم و تندرست خود را با توجه به این که باکره باشد، با جهیزیه یا نقدینه ای از پیرایه های زینتی از طلا و گوهر، پس از سن پانزده، برای مردان اشو (مرد پاک و روشن ضمیر که کنایه از روحانی زمان است) به ازدواج دهد (ماله^۲، ۱۹۵۲، ترجمه زیرک زاده، ۱۳۵۹: ۴۳۶). زن علاوه بر آن که جسمش در تملک مرد بود، عرض و ناموشش نیز متعلق به وی بوده است. این بینش مملوک گونه نسبت به زن چنان در اعماق فرهنگ مردم نفوذ داشت که حتی هنگامی که مزدک حوالی سال ۴۹۰ م. به عنوان مصلح اجتماعی ظهور کرد تا وضع طبقات ستم دیده را بهبود بخشد و مساوات را در جامعه برقرار سازد اصول دین خود را چنین بیان نمود: «... کلیه اشیاء و تمام زنان باید ملک مشترک تمام مردان باشند» (دورانت^۳، ۱۹۷۴، ترجمه مهرین، ۱۳۸۳: ۱۷۸). مزدک نیز زن را در زمره ی سایر اشیاء می دانست که می بایست به تساوی میان انسان ها (مردان) تقسیم شود و در انحصار طبقه ای قرار نگیرد (الهوئی نظری، ۱۳۸۲: ۳۶). فقدان کرامت و احترام متناسب با شأن انسانی از جمله مهم ترین محرومیت های بود که زنان ساسانی بدان مبتلا بودند. در حالی که در آیین زرتشت زنان کرامتی هم شأن مردان داشتند (دانش پژوه، ۱۳۸۱: ۸۵).

حقوق زنان

شواهدی وجود دارد که نشان دهنده تربیت علمی در میان زنان عصر ساسانی است. داستانی که در ماتیکان هزار دادستان نقل گردیده مؤید وجود زمینه تعلیم و تعلم زنان در این دوره می باشد. در این مجموعه می خوانیم هنگامی که زنی از یک قاضی سوالاتی می پرسد و قاضی در پاسخ به یکی از سوالات در می ماند زن می گوید: استاد بیهوده به مغز خود فشار نیاورید و به آسانی بگوئید نمی دانم و ضمناً می توانید پاسخ این سؤال را در فلان کتاب بیابید (فریدمن^۴، ۱۹۸۱، ترجمه رشیدی، ۱۳۹۲: ۱۶). در جامعه نیز چنین بینشی وجود داشت که دختران را باید به مردانی تربیت یافته شوهر داد، زنان در تربیت فرزندان پسر و دختر خود نیز دارای نقشی بودند. زنان در امور مالی نیز از استقلال هایی ولو محدود برخوردار بودند. اگر شوهری به اتفاق همسر خود مسؤولیت ادای قرضی را به عهده می گرفت در این صورت طلبکار به طور دلخواه می توانست همانطور که حق خود را از شوهر مطالبه می کند از زن وی نیز به تنهایی بخواهد (نصیر، ۱۳۷۳: ۱۷۰). البته قوانین بسیار دیگری نیز وجود داشت که حق زن را در امر مالکیت محدود می کرد. مثلاً اگر شوهری جهیزیه و سایر اموال زن را در دوران زناشویی به نحوی تصرف و خرج می کرد هنگام طلاق الزامی نداشت که عین آن و یا بهای آن را به زن مطلقه خود باز پس دهد. اگر به

۱. Sykes

۲. Malle

۳. Durant

۴. Friedman

زنی ارمغانی یا ارثی تعلق می‌گرفت، شوهر باید خود را رسماً به عنوان قیم قانونی او معرفی نماید (ژوزف^۱، ۱۹۹۸، ترجمه حسام، ۱۳۷۹: ۸۱). در خصوص ازدواج باید گفت که؛ در آیین زرتشت ازدواج امری لازم و اجباری بود. پدر و مادر موظف بودند که برای فرزندان خود همسر انتخاب کنند. در دوره ساسانی این مسئله مورد توجه بود و پدر نباید به عمد و یا از روی امساک و امتناع و یا ترس از دست دادن دخترش وی را به موقع شوهر ندهد چه در این صورت دختر می‌توانست به میل خود بدون اجازه پدر حتی به یک ازدواج غیرمشروع تن دهد. در این هنگام هزینه معاش و سهم ارث برای وی باقی می‌ماند. فرمانبرداری زن از شوهر خود از جمله فرایض بود آن چنان که گفته می‌شود زن می‌بایست روزی سه بار در حضور شوهر به احترام ایستاده و به او بگوید که تو را چه اندیشه است تا من اندیشم و تو را چه می‌باید تا من گویم و تو را چه می‌شاید تا من آن کنم (مظاهری، ۱۳۷۳: ۵، ۵۹). در ارتباط با ارث، سهم پسری که از پادشا زن زاده می‌شد «بهر» خوانده می‌شد که واحد سنجش سهم الارث بود. بر این اساس سهم دختری که از پادشا زن متولد می‌شد نصف پسر بود (صدیقی، ۱۳۷۸: ۲۶۰). «چکر زن» یا زن مقام دوم از ارث محروم بود. بیوه‌زن خودسالار^۲ یعنی زنی که زناشویی‌اش به اجازه پدر یا قیم نبوده‌از شوهر خودش که بی‌وصیت مرده بود ارث نمی‌برد و بالاخره دختری که یگانه فرزند بود ثلث اموال پدر را به ارث می‌برد (کریستین سن^۳، ۱۹۵۱، ترجمه یاسمی، ۱۳۸۵: ۲۱).

زن در نگرش غرب

زن در جهان‌بینی و فلسفه غرب، چه در افکار مذهبی و چه در افکار غیرمذهبی همواره مظلوم‌تر و محروم‌تر از مردان بوده است. غربیان که امروزه فریادشان در دفاع از حقوق زنان گوش فلک را کر کرده است، در طعنه به زن و ناقص خواندن او گوی سبقت را از دیگران ربوده بودند. آنان گاهی از زبان مذهب و کلیسا گفته‌اند: «زن باید از اینکه زن است شرمسار باشد» و گاهی گفته‌اند: «زن همان موجودی است که گیسوان بلند دارد و عقل کوتاه» و یا: «زن، آخرین موجود وحشی است که مرد او را اهلی کرده است» (فهیمی، ۱۳۹۰: ۲۰) و هزاران سخن از این قبیل.

این تحقیرها و ظلم و ستم‌های فراوانی که نسبت به زنان در جامعه غرب صورت می‌گرفت، زن غربی را بر آن داشت که برای احقاق حقوق خود به پا خیزد تا وضع موجود را به نفع خود تغییر دهد. اما این جنبش زن‌مدارانه که به «فمینیسم^۴» معروف شد (بوث^۵، ۲۰۱۲: ۳۴)، به دلیل خاستگاه انفعالی و واکنشی آن، این بار زنان را به شکلی دیگر به اسارت کشید و به آنان ستم نمود. استاد شهید مرتضی مطهری در این زمینه می‌نویسد: نهضتی که در اروپا برای احقاق حقوق پایمال شده زن صورت گرفت، به دلیل آنکه دیر به این فکر افتاده بودند، با عجله زیادی انجام گرفت. احساسات مهلت نداد که علم نظر خود را بگوید و راهنما قرار گیرد. از این رو تر و خشک با یکدیگر سوخت. این نهضت یک سلسله بدبختی‌ها و بیچارگی‌ها را از زن گرفت و حقوق زیادی را به او داد و درهای بسته‌ای را باز کرد؛ اما در عوض، بدبختی‌های دیگری را

۱. Joseph
 ۲. Xadsarai
 ۳. Christensen
 ۴. Feminism
 ۵. Booth

برای خود زن و برای جامعه بشریت به وجود آورد (مطهری، ۱۳۷۴: ۱۸۴).

علی‌رغم تلاش جدی غرب از قرن هفدهم برای استیفای حقوق مدنی و آزادی‌های فردی، متفکران غربی تا پایان قرن نوزدهم اساساً سخنی از حقوق زنان به میان نیاوردند و زنان تا قرن بیستم حتی از اساسی‌ترین حقوق خود، یعنی حق مالکیت محروم بودند (استونس^۱، ۲۰۰۶: ۶۳۱) و نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که تمدن غرب هنگامی به حقوق زنان اعتراف کرد و به ندای حق خواهی زنان پاسخ مثبت داد که نظام سرمایه‌داری به نیروی کار زنان نیازمند شد. علاوه بر آن، در جریان همین جنبش نیز دست‌نایب‌دای مرد خودخواه و پول‌پرست و لذت‌جوی غربی به روشنی مؤثر بود (صدر، ۱۳۸۷: ۹۰). غرب از یک سو به خاطر نیاز به نیروی کار ارزان، مالکیت زنان را به رسمیت شناخت تا بهتر بتواند از او به عنوان کارگر استفاده کند؛ به همین جهت، بدون توجه به ویژگی خاص زنان، آنچنان او را در کار، همسان و همسنگ مردان پنداشت و کارهای سنگین مردانه را در کارخانجات بر او تحمیل کرد که فریاد پشیمانی این دسته از زنان غربی را از شعار تساوی حقوقی با مردان بلند ساخت و از سوی دیگر با شعار آزادی و رهایی زن به گونه‌ای افراطی، بیش از آنکه او را از اسارت مرد آزاد سازد، از قید و بند اخلاق گسست (حاذقی، ۱۳۴۲: ۱۳۷).

با وجودی که فمینیسم در ابتدا به جنبش‌هایی اطلاق می‌شد که در اعتراض به نابرابری‌های اجتماعی و ظلم و ستم به زنان و برای احقاق مطالبات حقوقی و اجتماعی زنان شکل گرفت، اما مبارزه به جریانی فرهنگی و کاملاً سیاسی تبدیل شده که با حمایت صهیونیسم و استکبار جهانی برای مقابله با اسلام و تضعیف مبانی آن و کنترل جوامع اسلامی با طرحی بلند مدت پا به عرصه گذاشته است و سعی دارد با نابودی نظام خانواده، عملاً اجتماع مسلمین را دچار تشتت و از هم گسستگی نماید، وحدت و وفاق ملی و مذهبی را از بین ببرد و در نهایت به تسخیر کامل کشورهای اسلامی و استفاده از منابع غنی فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مسلمانان بپردازد. یکی از مهم‌ترین حربه‌های فمینیسم برای رسیدن به این هدف، دامن زدن به مسائل حقوقی زنان در جوامع اسلامی است (مطهری، ۱۳۷۵: ۲۳۰). استکبار با آگاهی از سنت‌های قومی و مذهبی کشورهای اسلامی و حساسیت‌های مسلمانان در مورد زن، به تبلیغات مسموم و همه‌جانبه در سطح وسیع پرداخته است تا ضمن خشن و غیرمنصفانه جلوه دادن چهره اسلام نسبت به مسائل زنان، به ویژه حقوق اقتصادی از قبیل ارث، دیه، نفقه و... به شبهه‌افکنی نسبت به آموزه‌های مترقی اسلام بپردازد (کاظمی، ۱۳۸۲: ۱۹).

نگرشی به حقوق و محرومیت های زنان انگلستان

مروری بر کتاب‌های تاریخ معاصر انگلیس نشان می‌دهد که زنان این کشور در خانواده‌های پرجمعیت قرون ۱۸ و ۱۹ نقش مهمی در اداره زندگی و کمک به تامین معاش خانواده داشته‌اند و زنان علاوه بر کار در خانه، پا به پای مردان در مزارع و کارگاه‌ها کار می‌کردند ولی در مقایسه با مردان تقریباً فاقد هرگونه حقوق اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بودند (کریستین سن، ۱۹۵۱، ترجمه یاسمی، ۱۳۸۵: ۳۲۰). تا سال ۱۸۵۷ زنان حق طلاق از همسران خود را نداشتند (گافنی^۲، ۲۰۱۲: ۴۰۱) و به رغم این که در این سال تحت شرایطی امکان طلاق به برخی زنان داده شد ولی همچنان زنان تحت سیطره مردان قرار داشتند به نوعی

۱. Stons

۲. Gaffney

که گویی جزو مایملک مرد به حساب می آیند تا سال ۱۸۸۲ وقتی یک زن انگلیسی ازدواج می کرد، همه دارایی های منقول و غیر منقول وی به طور خود کار به شوهرش منتقل می شد (بارتن^۱، ۲۰۱۰: ۸۲۱). به طور طبیعی وقتی زنان در درون خانواده در بسیاری از حقوق اولیه خود محروم بودند، صحبت کردن از حقوق سیاسی و مشارکت در حق تعیین سرنوشت در آن ایام چندان محلی از اعراب نداشت و زنان انگلیسی تا نیمه اول قرن بیستم از حق رای شامل حق انتخاب کردن و حق انتخاب شدن محروم بودند (میشل آندره^۲، ۱۹۷۷، ترجمه زنجانی زاده، ۱۳۸۳: ۲۲). با توسعه فعالیت های سیاسی و حزبی در انگلیس در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰، جمعیت زنان که بیش از نیمی از جامعه این کشور را تشکیل می دادند، به تدریج وارد فعالیت های سیاسی شدند و نخستین مطالبات و حق رای و مشارکت را به دست آوردند (میلر^۳، ۱۹۹۹: ۱۲۴).

یافته ها

زن از دیدگاه اسلام

از دیدگاه اسلام، زن در بعد روحی و جسمی از همان گوهری آفریده شده که مرد آفریده شده است و تفاوتی در حقیقت و ماهیت بین زن و مرد نیست (نصیر، ۱۳۷۳: ۲۴-۲۳). خداوند در قرآن با آیات مختلف به این حقیقت تصریح فرموده است؛ از جمله: «یا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ خَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا...» (سوره نساء، آیه ۱). «ای مردم! از (مخالفت) پروردگارتان بپرهیزید! همان کسی که همه شما را از یک انسان آفرید و همسر او را (نیز) از جنس او خلق کرد.» در تفکر اسلامی، زن هم پای مرد، تکامل پذیر است و در آیات قرآنی هر گاه از کمالات و ارزش های والایی که انسان ها به آن می رسند سخن می گوید، زنان را نیز هم دوش مردان مطرح می کند: «وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَ لَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا» (سوره نساء، آیه ۱۲۴). «و کسی که چیزی از اعمال صالح را انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که ایمان داشته باشد، چنان کسانی داخل بهشت می شوند و کمترین ستمی به آنها نخواهد شد.»

زن از دیدگاه امام خمینی (ره)

امام خمینی (ره) با شناخت عمیق و ژرفی که از اسلام و قرآن داشت و کرامت زن را در مکتب اسلام خوب درک کرده بود در پیامی که به مناسبت روز زن صادر فرمود، از حضرت زهرا - سلام الله علیها - که نمونه زنان عالم است به عنوان عنصر تابناک، که زیر بنای فضیلت های انسانی را تشکیل می دهد، یاد نموده است. امام در مورد نقش زن در ساختار جامعه انسانی می فرماید: نقش زنان در عالم از ویژگی های خاصی برخوردار است، صلاح و فساد یک جامعه از صلاح و فساد زنان در آن جامعه سرچشمه می گیرد. زن یکتا موجودی است که می تواند از دامن خود افرادی به جامعه تحویل دهد که از برکاتشان یک جامعه بلکه جامعه ها به استقامت و ارزش های والای انسانی کشیده شوند (موسوی خمینی (ره)، ۱۳۷۴: ۹۵).

۱. Burton

۲. Michel Adare

۳. Miller

بحث و نتیجه گیری

در نظام حقوقی کشورهای مورد مطالعه، تحول حقوقی کاملاً مشهود است. این تحول در حقوق کشورهای غربی به مراتب سریع تر و محسوس تر است. علت آن این است که: حقوق زنان در کشورهای غربی تا قرن نوزدهم میلادی بسیار ابتدائی و تبعیض آمیز بوده است که همین نابرابری و تبعیض آمیز بودن، باعث شد که در زمینه حقوق خانواده، حرکت های طوفان گونه ای به وجود آمده و پایه های نظام موجود را در زمانی نه چندان طولانی متزلزل و قلع کند. چون کشورهای غربی بعد از قرون وسطی و شروع رنسانس، وابستگی خود را به مذهب، کاملاً از بین بردند و بدون هیچ قید و بند و اصول مذهبی، آن گونه که خود می اندیشیدند و نیکو می پنداشتند، عمل می کردند؛ مانعی بر سر راه خود برای تغییر قوانین نمی یافتند و کاملاً مطلق العنان و بریده از گذشته حقوقی خود، قوانین را تغییر دادند. ولی وضعیت حقوق خانواده در حوزه کشورهای اسلامی کاملاً متفاوت بود: قوانین حاکم بر روابط مالی خانواده در شریعت اسلام در مقایسه با قوانین حاکم بر نظام مالی خانواده در کشورهای غربی، قوانین مترقی و عادلانه ای بودند. به گونه ای که جوامع اسلامی از داشتن این قوانین کاملاً احساس خشنودی کرده و چیزی را که غربی ها در پی به دست آوردن آن بودند، آنها در دامن خود داشتند. در سده های اخیر، در پی تحولات ناگهانی جوامع که متأثر از انقلاب صنعتی اروپا، رخ داد، در کشورهای اسلامی نیز این احساس به وجود آمد که برخی از قوانین حاکم بر روابط خانواده، نیازمند اصلاح است. اما چون قوانین یاد شده برگرفته از شریعت اسلام بود، تغییر این قوانین نیاز به ظرافت و احتیاط زیادی داشت تا مبادا که اصلاح قانون، باعث مغایرت آن با شرع شود.

منابع

- قرآن کریم.
- الهوئی نظری، زهرا. (۱۳۸۲). جایگاه زن در فرهنگ و حقوق عصر ساسانی. جلد سوم، چاپ اول، تهران: انتشارات کتاب صبح.
- بار تلمه، ا. (۱۹۴۷). زن در حقوق ساسانی. جلد سوم، ترجمه عنایت کاظمی. (۱۳۵۴). تهران: نشر مؤسسه مطبوعاتی عطایی.
- بهار، مهرداد. (۱۳۶۹). بندهش. جلد دوم، چاپ سوم، تهران: نشر توس.
- حاذقی، ابولفضل. (۱۳۴۲). زن از نظر حقوق اسلامی. تکجلدی، چاپ سوم، تهران: چاپخانه مجلس.
- خامنه ای، سید محمد. (۱۳۷۵). حقوق زن. جلد دوم، چاپ سوم، تهران: نشر علمی فرهنگی.
- دانش پژوه، مصطفی. (۱۳۸۱). فلسفه حقوق. قم: نشر مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- دورانت، ویل. (۱۹۷۴). تاریخ تمدن. جلد چهارم، ترجمه مهرداد مهرین. (۱۳۸۳). تهران: نشر اقبال.
- رضی، هاشم. (۱۳۷۶). وندیداد. جلد سوم، چاپ ششم، تهران: نشر فکر روز.
- ژوزف، مورف. (۱۹۹۸). سیر تاریخی جایگاه زنان. جلد اول، چاپ اول، ترجمه محمد حسام. (۱۳۷۹). مشهد: نشر نیکا.
- صدر، حسن. (۱۳۸۷). حقوق زن در اسلام و اروپا. تکجلدی، تهران: نشر چاپ قیام.
- صدیقی، زهرا. (۱۳۷۸). نگاهی به روند جهانی جنبش زنان. جلد اول، چاپ اول، تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.

- صفایی، حسین. (۱۳۸۳). *بررسی تطبیقی حقوق خانواده*. جلد ششم، چاپ اول، تهران: نشر دانشگاه تهران.
- عبداللهی، فرشته. (۱۳۶۹). *دین زرتشت و نقش آن در جامعه ساسانیان*. جلد اول، چاپ هفتم، تهران: نشر ققنوس.
- فریدمن، جین. (۱۹۸۱). *فمنیسیم*. جلد اول، ترجمه غلامرضا رشیدی. (۱۳۹۲). تهران: نشر آشتیان.
- فهیمی، فاطمه. (۱۳۹۰). *زن و حقوق مالی*. جلد ششم، چاپ دوم، تهران: نشر خرسندی.
- کاظمی، حسن. (۱۳۸۲). *شخصیت و حقوق زن در اسلام*. جلد پنجم، چاپ دوم، تهران: نشر علوم اسلامی.
- کریستین سن، آرتور. (۱۹۵۱). *ایران در زمان ساسانیان*. جلد پنجم، ترجمه رشید یاسمی. (۱۳۸۵). تهران: نشر ابن سینا.
- ماله، آلبر. (۱۹۵۲). *تاریخ رم*. جلد اول، ترجمه غلامحسین زیرک زاده. (۱۳۵۹). تهران: نشر کتابفروشی سینا.
- محقق داماد، سید مصطفی. (۱۳۶۵). *بررسی فقهی حقوق خانواده*. جلد سوم، چاپ دوم، تهران: نشر علوم اسلامی.
- مزداپور، کتابون. (۱۳۶۹). *شایست ناشایست*. تکجلدی، چاپ سوم، تهران: نشر مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۴). *نظام حقوق زن در اسلام*. جلد ششم، چاپ دهم، قم: نشر صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۵). *زن در اسلام*. جلد سوم، قم: انتشارات صدرا.
- مظاهری، علی اکبر. (۱۳۷۳). *خانواده ایرانی در دوران پیش از اسلام*. جلد سوم، چاپ اول، تهران: نشر قطره.
- موسوی خمینی، روح الله. (۱۳۷۴). *تحریر الوسيله*. جلد دوم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- میشل، آندره. (۱۹۷۷). *جنش اجتماعی زنان*. جلد دوم، ترجمه هما زنجانی زاده. (۱۳۸۳). مشهد: نشر نیکا.
- نصیر، محمد مهدی. (۱۳۷۳). *جایگاه اجتماعی زن از منظر اسلام*. جلد دوم، تهران: چاپخانه مجلس.
- Booth, P. (2012). *Family Law*. Sixth Edition, London: Oxford University Press:34.
- Burton, F. (2010). *Family law*. First Editon, London: Publication of Palgrave:821.
- Cretney, S. M. (2004). *Principles of Family law*. Second Edition London: Sweet&Maxwell publication:116.
- Elizabeth, M. (1990). *A Concise Dictionary of Law*. Ninth Edition, London: Oxford University Press:27.
- Gaffney, R. (2012). *Family Law*. First Edition, London: Publication of Oxford:401.
- Miller, J. G . (1999). *Family Property and Financial Provision*. First Edition, London, And Maxwell publication:124.
- Stons, B. (2006). *Statutes on family law. edited by mika old ham, MA, PHD, fellow of college*. First Edition, combridge: oxford university press:631.
- Sykes, P. (1951). *A history of Persia*. First Edition, London :368.
- Walker, D. (2003). *The Oxford Companion to Law*. Second Edition, Oxford: Oxford University Press:100.

**An Overview Of Women's Rights
And Deprivations In Iran And The United Kingdom
With An Imam Khomeini's Viewpoint Oriented Approach**

Z. Mollaei *
S. M. Mousavi Bojnourdi **
S. M. S. Mousavi ***

Abstract

The purpose of this study was to identify the common points, the strength and weakness of the two countries; Iran and England, on the rights and disadvantages of women. The population of the study were the women who have been evaluated in a comparative way. The research method was analytical, descriptive and comparative. Accordingly, information was collected from the Persian and English libraries through reference books and articles, and then analyzed. The whole discussed issues and the results of the research showed that, contrary to what was posed in western countries and their pretending to consider the women's rights and claims that Islamic laws as a violation of women's rights, the western intellectuals did not essentially say any words on women rights until the end of the nineteenth century. Women did not enjoy women's rights, by the twentieth century and were even deprived of their basic rights, that is, the right to property, and the civilization of the west confessed to women's rights, and responded positively to women's right to justice, when the capitalist system was forcefully needed The work of women . While the Islamic religion paying attention to the dignity and high status of women in society and the family, pay particular attention to the worldly welfare and the woman's afterlife.

Keywords: women rights, women Deprivation, Iran, UK.

* Ph.D. Student, Department of Theology - Jurisprudence and the Principles of Islamic law, Tehran Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Email:mollaei_zeynab@yahoo.com)

**Professor of jurisprudence and law, Kharazmi University, Tehran, Iran. (Corresponding Author, email: mosavi@ri-khomeini.com)

***Associate Professor of Jurisprudence and Private Law, Shahid Motahari University, Tehran, Iran. (email: m.mosavi bonabiau.ac.ir)